



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال پنجم / شماره نوزدهم / بهار ۱۴۰۳



: 10.22034/icrs.2024.448305.1262

این بيطار و تأثير سنت گياه داروشناسی ديوسکوریدس و جالینوسی بر أجامع لمفردات الأدوية والأغذية

محمدرضا میراحمدی^۱ / یونس فرهمند^۲ / فهیمه مخبر دزفولی^۳ (۸۹-۶۸)

چکیده

این بيطار (متوفای ۶۴۶ ق / ۱۲۴۸ م)، یکی از بزرگ‌ترین گياه‌داروشناسان مسلمان در سده‌های میانه اسلامی است که نقش درخور توجهی در رشد و اعتلای این دانش ایفا کرده است. وی با نگارش کتاب أجامع لمفردات الأدوية والأغذية و الأغذية و الأغذية یکی از مهم‌ترین آثار گياه‌داروشناسی را در جهان اسلام پدید آورد که به حق می‌توان آن را دائرةالمعارف اختصاصی این دانش نامید. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که میراث یونانی دیوسکوریدس و جالینوس تا چه اندازه و چگونه بر کتاب أجامع لمفردات الأدوية والأغذية و الأغذية او اثر گذاشته است. به‌ویژه بر این مسئله تأکید می‌کند که آیا داده‌های او از این منابع یونانی، اعتبار و اصالت دارد یا چیزی جز تقلید و رونویسی از این آثار نیست. نگارنده با بررسی دقیق کتاب أجامع لمفردات الأدوية و الأغذية همه ارجاعات مستقیم و باواسطه او را به این منابع یونانی استخراج و داده‌های آن را تحلیل کرده و به این نتیجه دست‌یافته است که اگرچه وی در روش پژوهش، شیوه بیان و سبک نوشتاری خود از دیوسکوریدس و جالینوس پیروی کرده است؛ اما شیوه مطالعات تجربی و مشاهدات میدانی منحصر به فرد خود را نیز دارد و پیوسته دیدگاه‌های یونانیان را جرح و تعدیل نموده است و با خلاقیت‌ها و نوآوری‌هایی که از خود بروز داده بر وسعت مطالعات گياه‌داروشناسی افزوده است.

واژه‌های کلیدی: دیوسکوریدس، جالینوس، این بيطار، الحشایش، أدویة مفردة، گياه‌داروشناسی.

۱. دانشجوی دکتری رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

moshkan@yahoo.com

۲. دانشیار گروه تاریخ و باستان شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

farahmand@srbiau.ac.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ و باستان شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. f.mokhber@srbiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۳۱ نوع مقاله: پژوهشی

Ibn Bitar and the effect of the pharmacognosy tradition of Dioscorides and Galenus on al-mm̄ ii-i ufrddll ll -adwiya wa-l-aghdhiya

Mohammad Reza Mirahmadi¹, Younes Farahmand², Fahimeh Mokhber Dezfuli³

Abstract

Ibn Bitar (646 AH), is one of the greatest plants of Muslim pharmacognosists in the Islamic middle centuries who played a significant role in the growth and promotion of this knowledge. He wrote one of the most important works of pharmacognosy in the Islamic world, i.e. Kitāb al-Jāmi' li-mufradāt al-adwiya wa-l-aghdhiya, which can rightly be called the exclusive encyclopedia of pharmacognosy. The present study seeks to answer the question of to what extent and how the Greek heritage of Dioscorides and Galenus influenced his comprehensive book. In particular, we will emphasize whether the information he inferred from these Greek sources are valid or authentic, or whether they are nothing more than imitations and transcripts of these works. By carefully examining all direct and indirect references to these Greek resources and analyzing the data of Al-Jame' book, the author concludes that although Ibn Bitar has imitated the research method and writing style of Dioscorides and Galenus, he has his own unique method of empirical studies and field observations, constantly modifying the views of the Greeks and adding to the scope of pharmacognosic studies using his creativity.

Keywords: Dioscorides, Galenus, Ibn Bitar, Al-Hashaish, Al-advieh Al-mofradeh, pharmacognosy.

1. PhD Student, History and Civilization of Islamic Nations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. moshkan@yahoo.com

2. Associate Professor Department of History and Archaeology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) farahmand@srbiau.ac.ir

3. Associate Professor Department of History and Archaeology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. f.mokhber@srbiau.ac.ir

۱. مقدمه

دیوسکوریدس یکی از پزشکان و گیاه‌شناسان یونانی است که در عصر ترجمه بر دانش گیاه‌داروشناسی دوره اسلامی تأثیرگذار بوده است. وی در سده نخست میلادی در شهر عین زری، شهری در ترکیه کنونی، دیده به جهان گشود. (ابن جُلجل، ۱۹۵۵م: ۲۱؛ العَبْرِي، ۱۹۸۳م: ۱۰۴) در نیمه دوم سده سوم هجری است که نام دیوسکوریدس و اثرش در محافل علمی مسلمانان مطرح می‌شود. (سزگین، ۱۳۸۶، ج ۳: ۵۲) مهم‌ترین اثر برجای‌مانده از دیوسکوریدس *الحشائش* نام دارد که حدود ۱۵ قرن بزرگ‌ترین مرجع بلامنزاع گیاه‌داروشناسی در محافل علمی جامعه اسلامی بوده است. این کتاب، برای نخستین بار در عهد متوکل عباسی (حک ۲۳۲-۲۴۷ق/۸۴۷-۸۶۱م) توسط حنین بن اسحاق (۱۹۴-۲۶۰ق/۸۱۰-۸۷۴م) برای بُختیشوع بن جبرائیل (متوفای ۲۵۶ق/۸۷۰م) پزشک متوکل عباسی، از یونانی به سریانی ترجمه گردید. در کنار تأثیر دیوسکوریدس بر دانش گیاه‌داروشناسی اسلامی، جالینوس نیز بر رشد و اعتلای این دانش تأثیرگذار بود. وی پزشک، داروشناس و یکی از برجسته‌ترین و اثرگذارترین چهره‌های علمی و فلسفی جهان در دوران متأخر باستان است که در سال ۱۲۹ میلادی در شهر پِراگاموم در غرب آسیای صغیر دیده به جهان گشود. (قفطی، ۲۰۰۵م: ۹۹) وی به همراه بقراط اثرگذارترین پزشک دوران باستان بر پزشکی و گیاه‌داروشناسی دوره اسلامی است. در این پژوهش، باتکیه بر فرهنگ‌نامه‌های تاریخی، اطلاعات مربوط به شرح حال و آثار ابن‌بیطار جمع‌آوری گردید، سپس نگارنده با بررسی دقیق کتاب *الجامع لمفردات الأدوية و الأغذية* همه ارجاعات مستقیم و باواسطه ابن‌بیطار را به منابع یونانی (آثار دیوسکوریدس و جالینوس) استخراج و داده‌های آن را تحلیل کرده است. این پژوهش در صدد پاسخگویی به این مسئله است که میراث یونانی دیوسکوریدس و جالینوس تا چه اندازه و چگونه بر کتاب *الجامع لمفردات الأدوية و الأغذية* تأثیر گذاشته است؟

پژوهش‌هایی درباره شخصیت علمی ابن‌بیطار به رشته تحریر درآمده است که در آنها فقط به شرح احوال ابن‌بیطار و معرفی اثر مشهورش یعنی *الجامع لمفردات الأدوية و الأغذية* اشاره شده است. برای نخستین بار در سده ۱۹ میلادی بود که بر اثر تلاش‌ها و پژوهش‌های دانشمندان غربی از جمله فن ژنتهایمر و لوسین لکلرک، مجامع علمی جهان به مقام و جایگاه ابن‌بیطار و ارزشمندی تألیف او پی

بردند. فُن زُنْتَهَائِمِرِ آلمَانِي در بین سال‌های ۱۸۴۲-۱۸۴۰ میلادی در شهر اِشْتوتْگارت ترجمه‌ای آلمانی از اَلْجَامِعِ لِمْفَرَدَاتِ الْأَدْوِيَةِ وَ الْأَعْذِيَةِ در دو مجلد منتشر کرد. پس از وی لُوسِينِ لِكَلِرِك، دانشمند شهیر فرانسوی در بین سال‌های ۱۸۸۳-۱۸۷۷ ترجمه‌ای فرانسوی از اَلْجَامِعِ لِمْفَرَدَاتِ الْأَدْوِيَةِ وَ الْأَعْذِيَةِ همراه با شرح و تحقیقی سودمند منتشر کرد. همین ترجمه اخیر بعدها توسط دانشمندان غربی و اسلامی مبنا و معیاری برای تحقیق و بازکاوی دانش گیاه‌داروشناسی دوره اسلامی قرار گرفت. در میان پژوهشگران ایرانی هم می‌توان به هوشنگ اعلم اشاره کرد که با نگارش مقاله‌ای تحت عنوان ((ابن بیطار)) در دایرة المعارف بزرگ اسلامی و مقاله‌ای دیگر با عنوان ((اَلْجَامِعِ لِمْفَرَدَاتِ الْأَدْوِيَةِ وَ الْأَعْذِيَةِ)) در دانشنامه جهان اسلام به بحث درباره زندگی، آثار و سبک نگارش ابن بیطار پرداخته است. در این پژوهش سعی شده است ضمن بحث درباره زندگی و آثار ابن بیطار به میزان و نحوه تأثیرپذیری وی از میراث یونانی (آثار دیوسکوریدس و جالینوس) و همچنین میزان ارزش، اعتبار و اصالت داده‌های گیاه‌داروشناسی وی در اثر معروفش اَلْجَامِعِ لِمْفَرَدَاتِ الْأَدْوِيَةِ وَ الْأَعْذِيَةِ پرداخته شود.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی در حال حاضر درباره شخصیت علمی ابن بیطار به رشته تحریر درآمده است که در آنها فقط به شرح احوال ابن بیطار و معرفی اثر مشهورش یعنی اَلْجَامِعِ لِمْفَرَدَاتِ الْأَدْوِيَةِ وَ الْأَعْذِيَةِ اشاره شده است. برای نخستین بار در سده ۱۹ میلادی بود که بر اثر تلاش‌ها و پژوهش‌های دانشمندان غربی از جمله فُن زُنْتَهَائِمِرِ و لُوسِينِ لِكَلِرِك، مجامع علمی جهان به مقام و جایگاه ابن بیطار و ارزشمندی تألیف او پی بردند. فُن زُنْتَهَائِمِرِ آلمانی در بین سال‌های ۱۸۴۲-۱۸۴۰ میلادی در شهر اِشْتوتْگارت ترجمه‌ای آلمانی از اَلْجَامِعِ لِمْفَرَدَاتِ الْأَدْوِيَةِ وَ الْأَعْذِيَةِ در دو مجلد منتشر کرد. پس از وی لُوسِينِ لِكَلِرِك، دانشمند شهیر فرانسوی در بین سال‌های ۱۸۸۳-۱۸۷۷ ترجمه‌ای فرانسوی از اَلْجَامِعِ لِمْفَرَدَاتِ الْأَدْوِيَةِ وَ الْأَعْذِيَةِ همراه با شرح و تحقیقی سودمند منتشر کرد. همین ترجمه اخیر بعدها توسط دانشمندان غربی و اسلامی مبنا و معیاری برای تحقیق و بازکاوی دانش گیاه‌داروشناسی دوره اسلامی قرار گرفت. در میان پژوهشگران ایرانی هم می‌توان به هوشنگ اعلم اشاره کرد که با نگارش مقاله‌ای تحت عنوان ((ابن بیطار)) در دایرة المعارف بزرگ اسلامی و مقاله‌ای دیگر با عنوان ((اَلْجَامِعِ

لِمُفْرَدَاتِ الْأَدْوِيَّةِ وَالْأَعْلِيَّةِ)) در دانشنامه جهان اسلام به بحث درباره زندگی، آثار و سبک نگارش ابن بیطار پرداخته است؛ بنابراین در این پژوهش سعی شده است ضمن بحث درباره زندگی و آثار ابن بیطار به میزان و نحوه تأثیرپذیری وی از میراث یونانی (آثار دیوسکوریدس و جالینوس) و همچنین میزان ارزش، اعتبار و اصالت داده‌های گیاه‌داروشناسی وی در اثر معروفش *الجامع لمفردات الادویة و الاعلیة* به صورتی مختصر و مفید پردازم.

۳. ابن بیطار

ضیاء الدین أبو محمد عبدالله بن احمد المالقی الثبائی، مشهور به ابن بیطار برجسته‌ترین گیاه‌داروشناس مسلمان است که در شهر ساحلی مالقة در آندلس، دیده به جهان گشود. وی بین سال‌های (۵۹۳ تا ۶۴۶ق/ ۱۱۹۷ تا ۱۲۴۸م) می‌زیست. (صفدی، ۲۰۰۰، ج ۱۵: ۳۰) ابن بیطار در اشبیلیه که در آن روزگار مرکز علم و ادب بود، نزد دانشمندانی همچون عبدالله بن صالح، ابوالحجاج یوسف بن موطرطیر و به‌ویژه گیاه‌داروشناس نامی و برجسته اشبیلیه، احمد بن محمد مشهور به ابن الرومیة تلمذ نمود و با نظارت ایشان گیاهان دارویی را بررسی و آن‌ها را گردآوری کرد. (پالنسیا، ۲۰۱۱م: ۵۳۶) وی در طول حیات خود آثار گیاه‌داروشناسان بسیاری را مطالعه کرد و نوشته‌های آنان را به طور کامل و عمیق نقد و بررسی نمود و در آن‌ها به مهارت کامل رسید. برخی از این دانشمندان عبارت‌اند از: دیوسکوریدس، جالینوس، اوریپاسیوس، ابن ماسویه، رازی، ابن سینا، غافقی و شریف ادریسی. ابن بیطار برای شناخت و گردآوری گیاهان دارویی و تحقیق در آثار گذشتگان به شمال آفریقا (مراکش، الجزایر و تونس)، یونان، آسیای صغیر و شام سفر کرد. از اشارات دقیقی که وی در ذیل برخی از گیاهان دارویی در *الجامع لمفردات الادویة و الاعلیة* به محل رویش گیاهان نموده است، چنین برمی‌آید که دامنه جغرافیایی کاوش‌ها و مطالعات علمی خود را از محل زندگی‌اش در دمشق فراتر برده و به بخش‌هایی از یونان، کرانه‌های مدیترانه‌ای آناتولی، شمال عربستان و بین‌النهرین سفر کرده است. وی در خلال این سفرها، با افراد بسیاری که به دانش گیاه‌داروشناسی آگاه بودند، دیدار نمود و اطلاعات فراوان و وسیعی از آنان کسب کرد. (کُتبی، ۱۹۷۳م، ج ۲: ۱۵۹؛ ابن مُراد، ۱۹۹۱م: ۴۶۷) ابن بیطار در سال ۶۳۳ق/ ۱۲۳۶م در سفری به شام، به دربار سلطان ایوبی الملک الکامل، راه یافت و

باهداف بررسی و شناخت داروهای گیاهی در آنجا مشغول به کار شد و به امر سلطان به مقام ریاست داروفروشان رسید. (ابن فضل الله العُمَری، ۲۰۱۰م، ج ۹: ۳۵۶) پس از مرگ سلطان ایوبی، به قاهره نزد فرزند و جانشین وی، الملك الصالح نجم الدین ایوب رفت. در همین شهر بود که به دستور سلطان ایوبی، *الجامع لمفردات الأَدویة و الأَغذیة* را به همراه کتاب دیگری با عنوان *المعنی فی الأَدویة المفردة* در بیست فصل تألیف نمود. (مَقَرِّی، ۱۹۶۸م، ج ۲: ۶۹۲؛ قنوتی، ۱۹۹۶م: ۱۹۲) ابن بيطار پیوسته همراه با سلطان ایوبی بین دمشق و قاهره در رفت و آمد بود؛ اما در پایان عمرش به دلیل برخورداری از شاگردان فراوان، در دمشق اقامت گزید. از بارزترین شاگردان او می توان به *ابن أبی أُصیبِیَهِ* (متوفی ۶۶۸ق/ ۱۲۷۰م) و *ابن سُویدی* (متوفی ۶۹۰ق/ ۱۲۹۱م) اشاره کرد. وی سال های پایانی عمر خود را در دمشق سپری کرد و در سال ۶۴۶ ق. در همین شهر، دیده از جهان فرو بست.

ابن *أُصیبِیَهِ* که در سال ۶۳۳ق/ ۱۲۳۶م هنگام سفر ابن بيطار به شام، با وی آشنا شد و بعدها در سلک شاگردان و همراهان وی قرار گرفت، این گونه از استاد خود یاد می کند:

من نزد ابن بيطار کتاب شرح اسامی داروهای کتاب *دیوسکوریدس* را خواندم و واقعاً از کثرت علم، درایت و فهم کمال او مطالب بسیاری آموختم. زمانی که در محضر او بودم تعدادی از کتاب های نوشته شده مربوط به ادویه مفردة همچون: آثار *دیوسکوریدس*، *جالینوس*، *غافقی* و دیگر کتاب های ارزشمند مربوط به این رشته نزد ما بود. وی در ابتدا آنچه را که *دیوسکوریدس* در کتابش به زبان یونانی بر اساس تصحیحات خود در سرزمین روم گفته بود، بازگو می نمود. سپس گفته های او را که کلیاتی در توصیف و تشریح و کاربردهای آن دارو بود، ذکر می کرد. در پایان به آنچه که *جالینوس* درباره ویژگی ها، طبع ها، عملکردها و دیگر مسائل مربوط به آن دارو گفته بود، اشاره می نمود. وی همچنین جملاتی را از سخنان متأخرین و اختلاف نظرهای آنان و مواضع خطا و اشتباهی که برخی از آن ها در توضیحات خود درباره آن دارو مرتکب شده اند ذکر می کرد. من آن کتاب ها را با او دوره می - کردم و نمی دیدم که او چیزی از آن ها را فراموش کند. عجیب تر این که او دارویی را ذکر نمی کرد مگر آنکه دقیقاً مشخص می کرد که در کدام مقاله کتاب *دیوسکوریدس* و *جالینوس*

قرار دارد و در ذیل کدام شماره از فهرست داروهای مذکور در آن مقاله است. (ابن ابی

أصیبه، ۲۰۰۵م: ۶۰۱)

ابن بیطار در مقدمه *الجامع لمفردات الأدوية والأغذية* که یکی از مهم‌ترین بخش‌های کتاب است، به شرح و توضیح اهداف شش‌گانه خود پرداخته که با تأمل در هریک از آن‌ها می‌توان به روش و شیوه تنظیم هریک از مطالب کتاب پی برد. او نخستین هدف خود را ذکر داروهای مفرد و غذاهای مورد استفاده روزمره و پرکاربرد در طی شبانه‌روز دانسته است. سپس نقد و بررسی صحت نقل قول گذشتگان و متأخرین، ترک مطالب تکراری در حد امکان، فهرست‌بندی داروها بر اساس ترتیب حروف الفبا، آگاهی از داروهایی را که برخی از پیشینیان و متأخران در مورد آن‌ها دچار لغزش و اشتباه شدند و ذکر اسامی و مشخصات داروهایی که به زبان‌های دیگری معروف شده‌اند از اهداف خود در تدوین و نگارش *الجامع لمفردات الأدوية والأغذية* می‌داند. (ابن بیطار، ۱۹۹۲م، ج ۱: ۳-۴) بنابراین وی به شرح و معرفی دارویی نپرداخته، مگر این‌که این داروها، دارای منفعتی قابل ذکر بوده‌اند. وی بسیاری از داروها را با همان اسامی و مشخصاتی که در مناطق رشدشان رایج بوده، ذکر کرده است. مانند: داروهایی که به زبان‌های بربری و لاتینی در آندلس مشهور بوده‌اند.

۴. آثار ابن بیطار

ابن بیطار آثار ارزشمندی تألیف و تدوین نموده است که بسیاری از دانشمندان به علت صبغه علمی و دربرداشتن اطلاعات اصیل به آن‌ها استناد کرده‌اند. در این پژوهش به تعدادی از تألیفات وی که با موضوع مقاله مرتبط است و از روشمندترین و برجسته‌ترین نگارش‌های گیاه‌داروشناسی است، اشاره می‌شود:

یک- *الجامع لمفردات الأدوية والأغذية*: این کتاب یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین کتاب‌های داروشناسی اسلامی است و از آن به‌عنوان نفیس‌ترین و معتبرترین اثر داروشناسی اسلامی یاد می‌شود. این اثر مشتمل بر مجموعه بزرگی از داروهای درمانی ساده با سه منشأ گیاهی، حیوانی و کانی است که با نام‌های *الجامع فی الطب* و *جامع لمفردات الأدوية والأغذية* نیز اشتها دارد. ابن بیطار در این کتاب بیش از ۱۴۰۰ نوع داروی گیاهی، حیوانی و کانی را به ترتیب حروف الفبا شرح داده است. (اعلم،

۱۳۹۹: ۱۴۶) در این میان ۳۰۰ نوع از این داروها، برای نخستین بار در کتاب او ذکر شده‌اند و احتمالاً تا پیش از او کسی آنها را نمی‌شناخته است. (پالینسیا، ۲۰۱۱م: ۵۳۶) کتاب *الْجَامِعِ لِْمُفْرَدَاتِ الْأَدْوِيَّةِ وَالْأَغْذِيَّةِ* برای نخستین بار در چهار جزء (بخش) و در دو مجلد در سال ۱۲۹۱ هجری در قاهره به زبان عربی چاپ و منتشر شد. از *الْجَامِعِ لِْمُفْرَدَاتِ الْأَدْوِيَّةِ وَالْأَغْذِيَّةِ* نسخ خطی متعددی در کتابخانه‌های جهان موجود است از جمله در کتابخانه مجلس شورا، آستان قدس رضوی، دانشگاه تهران، ملک و کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم. (بیگ باباپور، ۱۳۹۳: ۱۰۱۵-۱۰۱۱)

دو- تفسیر کتاب *دِیُوسْکُورِیْدُس*: ابن بیطار در این کتاب به شرح و تفسیر واژه‌های یونانی کتاب *دِیُوسْکُورِیْدُس*، گیاه‌داروشناس یونانی، می‌پردازد. با نظر به این که اثر *دِیُوسْکُورِیْدُس* به زبان یونانی نگاشته شده، مراجعه به این اثر در جهان اسلام برای همگان میسر نبوده است. به همین جهت وی به شرح و تفسیر واژه‌های یونانی آن همت گماشت. این کتاب که به شکل واژه‌نامه‌ای یونانی - عربی تدوین و تنظیم شده است، به معرفی و ذکر معادل‌ها و اسامی مترادف با ۵۵۰ داروی ساده و غیرترکیبی یونانی می‌پردازد و گاه به ذکر اسامی مترادف [لاتینی] لاطینی (زبان ساکنان اصلی شبه‌جزیره ایبری یا زبان اسپانیایی در حال تحول از زبان لاتینی) و سریانی داروهای ساده اشاراتی دارد. (اعلم، ۱۳۹۹: ۱۴۷) شرح و تفسیر ابن بیطار بر این اثر به‌عنوان یک گیاه‌داروشناس مشهور و معتبر اسلامی، از ارزش زیادی برخوردار است چرا که وی در تفسیر این کتاب از منابع و مآخذ یونانی از جمله کتاب *الْأَدْوِيَّةِ الْمُمْرَكَّةِ جَالِينُوس* و منابع و مآخذ اسلامی از جمله آثار ابن‌سینا، ابن‌جزّله و ابن‌وافد و غیره بهره بسیاری برده است. به‌عنوان مثال می‌توان به مدخل‌های ((زُومِی))، ((قَرْتِی))، ((زِیْشُس)) و ((سِیسَاوُن)) اشاره کرد. (ابن بیطار، ۱۹۸۹م، ج ۱: ۱۸۱-۱۷۴) و این ویژگی به نوبه خود، ارزش کتاب را دوچندان کرده است. این اثر، به کوشش ابراهیم بن مراد بر اساس نسخه خطی موجود و نیز متن یونانی آن در سال (۱۴۰۹ ق/ ۱۹۸۸ م) چاپ و منتشر شده است.

سه- *الْمُعْنِي فِي الْأَدْوِيَّةِ الْمُمْرَكَّةِ يَا الْمُعْنِي فِي الْعِلَاجِ بِالْأَدْوِيَّةِ الْمُمْرَكَّةِ*: در این اثر که مشتمل بر بیست فصل است، ابن بیطار به بررسی داروهای مفردی اشاره کرده که برای تمام اعضای بدن، مفید است و نیز از داروهای ویژه بیماری‌های سر، گوش، چشم، معده و غیره بحث و تحقیق کرده و به معرفی داروهایی که باعث از بین رفتن تب و مسمومیت می‌شوند، پرداخته است. این کتاب در کنار *الْجَامِعِ*

لِمُفْرَدَاتِ الْأَدْوِيَّةِ وَالْأَعْدِيَّةِ فِي طَوْلِ تَارِيخٍ بِعَنْوَانِ مَرْجِعٍ، چَه در جِهَانِ اسْلَامِ و چَه در غَرْبِ، مَوْرِدِ اسْتِفَادَةِ مَحْقُقِيْنَ و پِژُوْهَشْگِرَانِ قَرَارِ گِرَفْتِه اسْت. (عَبْدَاللَّهِ الدَّفَاعِ، ۱۳۸۶ش: ۲۸۸؛ دَرخْشَانِ و رَجَبِ نَزَادِ، ۱۳۹۸: ۷۷)

سَايِرِ آثَارِ ابْنِ بَيْطَارِ عِبَارَتِ اَنْدِ اَز: رِسَالَةٌ فِي الْأَعْدِيَّةِ وَالْأَدْوِيَّةِ، رِسَالَةٌ فِي تَدَاوِي السُّمُومِ، كَاشِفِ الْوَيْلِ فِي مَعْرِفَةِ امْرَاضِ الْحَيْلِ، كِتَابُ الْإِبَانَةِ وَالْأَعْلَامِ بِمَا فِي الْمِنْهَاجِ مِنَ الْحَلَلِ وَالْأَوْهَامِ، كِتَابُ الْأَفْعَالِ الْغَرِيْبَةِ وَالْخَوَاصِّ الْعَجِيْبَةِ.

۵. تَأْثِيْرُ دِيُوسْكُوْرِيْدُسِ بَرِ ابْنِ بَيْطَارِ

بَا مَطَالَعِهِ و بَرَسِي دَقِيْقِ آثَارِ گِيَاهِ دَارُوْشْنَاْسِي دِيُوسْكُوْرِيْدُسِ و ابْنِ بَيْطَارِ بَه شَبَاهْتِ هَايِ بَسِيَاْرِي دَر رُوْشِ مَطَالَعَاتِ تَجْرِيْبِي و اَهْدَافِ هَرِ يَكِ اَزِ اَيْنِ دُو دَانِشْمَنْدِ اَثْرُگِذَارِ دَر حُوْزِه گِيَاهِ دَارُوْشْنَاْسِي پِي مِي بَرِيْم. بَه اَيْنِ مَعْنَا كِه هَرِ دُو دَر اَثْرِ خُوْدِ رُوْشِ، هَدْفِ و اَنْگِيْزِه يَكْسَانِي رَا دَنْبَالِ مِي كَنْنَدِ و اَيْنِ مَوْضُوْعِ، نَخْسْتِيْنَ شَبَاهْتِ مِيَاْنِ اَيْنِ دُو دَارُوْشْنَاْسِ بَزْرُگِ اسْت. دِيُوسْكُوْرِيْدُسِ دَر مَقْدَمِه اَلْحَشَائِشِ كِه اَنْ رَا بَه دُوْسْتِ و مَشُوْقِ اصْلِي خُوْدِ اَرْيُوْسِ طَرْسُوْسِي هَدِيَه كَرْدِه اسْت، هَدْفِ و اَنْگِيْزِه خُوْدِ اَزِ نْگَارِشِ اَلْحَشَائِشِ رَا ثَبْتِ و تَدْوِيْنِ وِيْژِگِيِ هَايِ گِيَاهَانِ دَارُوْيِي مَفِيْدِ و بَا اَرْزُشِي مِي دَانْدِ كِه پِيْشِيْنِيَاْنِ و مَعَاَصِرِيْنَ بَدَانِ نِپْرَدَاخْتِه اَنْد. وِي دَر اَيْنِ مَقْدَمِه يَادَاوْرِ مِي شُوْدِ كِه اَنْدِيْشْمَنْدَانِ گِذْشْتِه و مَعَاَصِرِ، شَنْاَخْتِ دَرْسْتِ و فِرَاگِيْرِي دَرْبَارِه نِظْرَاتِ خُوْدِ نِدَاشْتِه و بَدُوْنِ اَنْكِه اَزِ طَرِيْقِ اَزْمَائِشِ و مَشَاهِدِه (رُوْشِ حَسِي و تَجْرِيْبِي)، بَه دَرْسْتِي وِيْژِگِيِ هَايِ گِيَاهَانِ دَارُوْيِي دَسْتِ يَابَنْدِ، تَنْهَا بَه نَقْلِ شَنْيِدِه هَايِ خُوْدِ اِعْتِمَادِ كَرْدِه و بَه هَمِيْنِ سَبَبِ مَطَالَبِ بِي پَايِه و اَسَاسِي رَا دَر نُوْشْتِه هَايِ خُوْدِ بَارْگُو نِمُوْدِه اَنْد؛ بِنَابَرِ اَيْنِ وِي دَر تَلَاْشِ اسْت تَا بَه وَاَسْطِه اَزْمَائِشِ و مَشَاهِدِه (رُوْشِ حَسِي و تَجْرِيْبِي) ضَمْنِ زِدُوْدِنِ لَغْزِشِ هَا و كَاسْتِي هَا، كَمْبُوْدِه اِي مَوْجُوْدِ دَرِ آثَارِ و تَأْلِيْفَاتِ اَنْ هَا رَا اِصْلَاحِ نَمَايِد. بَرَايِ آگَاْهِي بِيْشْتَرِ دَر اَيْنِ زَمِيْنِه مِي تُوَاْنِ بَه مَدْخَلِ هَايِ ((اَفْتِيْمُوْنِ))، ((اَكْلِيْلُ الْمُلْكِ))، ((اَكْلِيْلُ الْجَبَلِ))، ((اُمُّ كَلْبِ))، ((بَطِيْخِ))، ((جَنْجِيْدِيُوْنِ)) و ((جُبْنِ)) مَرَاجِعِه كَرْد. (ابْنِ بَيْطَارِ، ۱۹۹۲م، ج: ۱: ۲۳۶-۲۱۵-۱۳۵-۷۸-۶۹-۵۶) بَه وِيْژِه دَر مَدْخَلِ ((جَنْجِيْدِيُوْنِ)) ضَمْنِ تَوْصِيْفِ گِيَاهِ بَه نَقْدِ نِظْرِ اِصْطِفَانِ بِنِ سَبِيْلِ پْرَدَاخْتِه و دَر پَايَانِ بَاتَوْجِه بَه مَشَاهِدَاتِ مِيْدَانِي و تَجْرِيْبِي خُوْدِ، نِظْرِ اِصْلَاحِي خُوْدِشِ رَا بِيَاْنِ مِي كَنْد.

افزون بر وجود مشابهت‌هایی که در روش مطالعات تجربی میان دیوسکوریدس و ابن بَیطار مشاهده می‌شود در سبک نوشتاری و شیوه تدوین آثار خود نیز از روش تقریباً یکسانی تبعیت می‌کنند. سبک نوشتاری و شیوه نگارش دیوسکوریدس در اَلْحَشَائِش، گروه‌بندی گیاهان دارویی بر اساس ویژگی‌ها و کاربردهای هر یک از مفردات دارویی است تا خواننده به‌آسانی بتواند به آن‌ها دسترسی داشته باشد. وی در اَلْحَشَائِش به ارزش خوراکی گیاهان و فرآورده‌های دارویی به‌دست‌آمده از آن‌ها اشاره نموده و حتی شرایط اقلیمی رشد گیاهان، شرایط گردآوری (مانند زمان مناسب برداشت گیاه)، نگهداری و آماده‌سازی مواد اولیه تهیه داروها به‌ویژه گیاهان دارویی را ذکر کرده است. دیوسکوریدس، ذیل هر یک از گیاهان دارویی که معرفی می‌کند به‌عنوان نمونه، در مدخل‌هایی مثل «ایرسا»، «سعد»، «مُر» و «قیستوس»، اطلاعات کاربردی و ارزشمندی را ارائه می‌دهد. اطلاعاتی همچون: نام‌های متعدد هر گیاه، گزینش بهترین نوع گیاه، توضیح مختصری از محیط رشد گیاه، ویژگی‌های ریخت‌شناسی گیاه (توصیف اجزای گوناگون گیاه مانند برگ‌ها، شاخه‌ها، ریشه‌ها، گل‌ها، رنگ‌ها و دانه‌ها)، موقعیت جغرافیایی مکان‌هایی که بهترین نوع گیاه در آنجا رشد می‌کند، ویژگی‌های دارویی و روش آماده‌سازی آن، کاربردهای دارویی هر گیاه و عوارض ناشی از استفاده هر یک از آن‌ها. (دیوسکوریدس، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲۰۷-۱۴۱-۶۳-۵۶) ابن بَیطار نیز همچون دیوسکوریدس، سبک نوشتاری و شیوه تدوین ویژه‌ای دارد که بیانگر وجود شباهت‌های معناداری میان او و دیوسکوریدس است. البته این شباهت نشان از تأثیرپذیری وی از اساتید یونانی به‌ویژه دیوسکوریدس است و لذا نمی‌توان این سبک را فقط متعلق به ابن بَیطار دانست؛ باین‌وجود با مقایسه سبک نوشتاری و شیوه تدوین اَلْحَشَائِش و اَلْجَامِع لِمُفْرَدَاتِ الْأَدْوِيَةِ وَ الْأَعْذِيَةِ به برخی از این مشابهت‌ها پی می‌بریم که عبارت‌اند از: ذکر خواص و ارزش خوراکی گیاهان و فرآورده‌های دارویی، بیان شرایط اقلیمی رشد گیاهان، توصیف شرایط گردآوری، نگهداری و آماده‌سازی مواد اولیه داروها، شرح و بیان طبیعت گیاه، ریخت‌شناسی و توصیف دقیق شکل گیاه، مقایسه گیاه با گیاهان مشابه، روش مصرف دارو و غیره. تنها تفاوتی که در این میان مشاهده می‌شود، نحوه گروه‌بندی داروهای گیاهی است که در اَلْحَشَائِش مفردات دارویی بر اساس ویژگی‌ها و کاربردهای خود طبقه‌بندی می‌شوند. اما در اَلْجَامِع لِمُفْرَدَاتِ الْأَدْوِيَةِ وَ الْأَعْذِيَةِ هر یک از مفردات دارویی بر اساس حروف الفبا گروه‌بندی شده‌اند و لیکن کتاب اَلْجَامِع لِمُفْرَدَاتِ الْأَدْوِيَةِ وَ الْأَعْذِيَةِ،

اگرچه امکان دستیابی به گیاهان دارویی را بر اساس اسم به آسانی فراهم می‌کند؛ اما امکان مقایسه و تحلیل را از خواننده می‌گیرد.

۶. تأثیر جالینوس بر ابن بیطار

در کنار دیوسکوریدس، یکی دیگر از برجسته‌ترین گیاه‌داروشناسانی که ابن بیطار در مطالعات و تحقیقات گیاه‌داروشناسی خود سخت متأثر از آثار و اندیشه‌های اوست، جالینوس (معرب گالینوس یونانی)، آخرین نگارنده برجسته آثار پزشکی در یونان باستان است. یکی از آثار مهم وی که در زمره ۱۶ رساله جوامع اسکندرانیین است، کتابی است با عنوان *فِي فِرَقِ الطَّبِّ لِلْمُتَعَلِّمِينَ*. (حُئِن، ۱۳۷۹: ۵؛ جالینوس، ۱۳۹۹: ۲۰) او در این کتاب که برای مبتدیان دانش پزشکی تدوین شده است، به روش تحقیق خود که همان روش تجربی است، اشاره می‌کند؛ بنابراین آنچه که جالینوس را از سایر پزشکان و گیاه‌داروشناسان متمایز می‌کند، روشمند بودن مطالعات و تحقیقات اوست. جالینوس از روشی تلفیقی که بر عقل و تجربه استوار است برای کسب دانش طب و نحوه درمان استفاده می‌کرد. او بر این باور بود که برای شناخت دقیق واقعیت‌های علمی می‌بایست از روش‌های گوناگون اعم از تجربه، آزمایش، تعقل و استدلال، در کنار هم استفاده کرد. ابن بیطار نیز در بخشی از مقدمه *الْجَامِعِ لِمُفْرَدَاتِ الْأَدْوِيَةِ وَالْأَعْيَادِ* به استفاده از روش حسی و تجربی در مطالعات گیاه‌داروشناسی خود اشاره می‌کند. وی در این پیشگفتار تأکید می‌کند آن بخش از یافته‌های گیاه‌داروشناسی را که صحت و درستی آن‌ها با مشاهده و آزمایش ثابت شده و در نزد وی نیز از این طریق به اثبات رسیده است همچون گنجی ارزشمند حفظ می‌کند. (ابن بیطار، ۱۹۹۲م، ج ۱: ۴-۳)

در اینجا به برخی از آثار و نوشته‌های جالینوس که بر شکل‌گیری شخصیت علمی ابن بیطار تأثیرگذار بوده است به اختصار اشاره می‌کنیم. اسامی این آثار در رساله حُئِن بن إسحاق، پزشک، کتاب‌شناس و مهم‌ترین مترجم آثار یونانی به عربی و سُرِیانی (متوفای ۲۶۰ ق) آمده است.

۱- *الْأَدْوِيَةُ الْمُفْرَدَةُ*: این اثر در یازده مقاله تدوین شده است. جزء اول کتاب که شامل پنج مقاله است، توسط یوسف الخوری مشهور به اَلْسَاهِر (پزشک و مترجم مسیحی سده سوم ق) به سُرِیانی ترجمه شد. جزء دوم نیز به درخواست یوحنا ابن ماسویه خوزی (پزشک سُرِیانی الاصل اهل جندی شاپور و متوفای ۲۴۳ ق) توسط حُئِن، مقابله و اصلاح شد و حُییش بن حَسَن الْأَعَسَم (پزشک،

داروشناس و مترجم آثار جالینوس از سُرِیانی به عربی در سده سوم ق) آن را برای احمد بن موسی (از برجسته‌ترین دانشمندان و مهندسان ایرانی سده سوم ق) به عربی ترجمه نمود. (حُئِن، ۱۳۷۹: ۱۰۳) ابن بیطار در اَلْجَامِعِ، ۵۶۸ مرتبه به این اثر و مقالات یازده‌گانه آن ارجاع داده است. (جدول شماره ۱) شمار زیاد ارجاعات ابن بیطار در اَلْجَامِعِ لِْمُفْرَدَاتِ الْأَدْوِيَّةِ وَالْأَغْذِيَّةِ به آثار جالینوس به‌ویژه کتاب اَلْأَدْوِيَّةِ الْمُفْرَدَةِ، افزون بر این‌که به تأثیرپذیری وی از جالینوس و آثارش اشاره دارد به یک ویژگی مهم علمی و اخلاقی ابن بیطار هم اشاره می‌کند که عبارت است از رعایت اصل صداقت در گفتار و دقت و امانت‌داری در نقل مطالب پیشینان که از بارزترین امتیازات وی و نشان‌دهنده تفکر علمی اصیل اوست. علی‌رغم این‌که ابن بیطار سخت متأثر از جالینوس و آثار وی است؛ اما این تأثیرات، به‌دور از هرگونه تقلید و رونویسی است. به این معنا که وی در تنظیم نتایج مطالعات خود در اَلْجَامِعِ لِْمُفْرَدَاتِ الْأَدْوِيَّةِ وَالْأَغْذِيَّةِ، پیوسته نظرات یونانیان را جرح و تعدیل نموده و با خلاقیت‌ها، نوآوری‌ها، انتقادات و توضیحات سودمند و تکمیلی که ذیل برخی از مفردات دارویی ارائه کرده است به رشد و اعتلای مطالعات گیاه‌داروشناسی افزوده است.

۲- **فِي قَوِي الْأَغْذِيَّةِ**: این کتاب در سه مقاله نگارش یافته است و در آن شرح و توصیف تمام خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها و قوت‌ه‌ریک از آن‌ها ذکر شده است. این اثر نخست به‌وسیله سِرْجِس رَأْس الْعَيْنِي (مترجم آثار پزشکی از یونانی به سُرِیانی و متوفای ۵۳۶ م) و أَيُّوبُ الرَّهَّاءِي (از مترجمین سُرِیانی سده سوم ق) ترجمه شد، سپس حُئِن بن إِسْحَاق آن را پس از مطابقت با چند نسخه یونانی به سُرِیانی ترجمه نمود و پس از افزودن چند مقاله دیگر از پیشینان به آن، در سه مقاله آن را گردآوری و برای اسحاق بن ابراهیم طاهری (از مترجمین و شاگرد حُئِن بن إِسْحَاق در سده سوم ق) به عربی ترجمه کرد. بعدها حُبَيْش بن حَسَن الْأَعْسَمِ کل کتاب اَلْأَغْذِيَّةِ را برای محمد بن موسی ترجمه نمود. (همان، ۱۳۷۹: ۱۰۹) ابن بیطار، ۵۹ مرتبه به این اثر ارجاع داده است. (جدول شماره ۲)

۳- **تَرْكِيْبُ الْأَدْوِيَّةِ**: این اثر در هفده مقاله تنظیم شده است. در هفت مقاله نخست از اجناس داروهای مرکب یاد کرده و جنس هر یک را شرح داده است. منظور مؤلف از تألیف کتاب، توصیف روش ترکیب داروها بوده است. این هفت مقاله به نام تَرْكِيْبُ الْأَدْوِيَّةِ عَلَي الْجَمَلِ وَالْأَجْناس نیز معروف شده است. ده مقاله دیگر نیز به روش و نحوه ترکیب داروها بر اساس مواضع دردناک بدن اختصاص یافته است؛

بنابراین جالیئوس در این مقالات به توصیف ترکیب داروها نمی‌پردازد، بلکه به شرح و توصیف عمل و تأثیر آن‌ها بر حسب محل‌های مختلف یعنی عضوهای دخیل در بیماری اشاره می‌کند. از این جهت این کتاب در میان مسلمانان به نام *تَرْكِيْبُ الْأَدْوِيَةِ بِحَسَبِ مَوَاضِعِ الْأَلَمَةِ* مشهور شده است. ابن‌بیطار به این کتاب جالیئوس، ۷ مرتبه ارجاع داده است. (جدول شماره ۲)

۴- *حِيَلَةُ الثُّبْرِ*: در چهارده مقاله نگارش یافته است. این اثر نخست توسط حنین بن اسحاق از روی نسخه یونانی ترجمه شد و بار دیگر توسط حبیب بن حسن الأعسم برای محمد بن موسی ترجمه گردید. جالیئوس در این کتاب بر آن است تا بیان کند که چگونه هر یک از بیماری‌ها به روش قیاس درمان می‌شوند. در *الجامع لمفردات الأدوية و الأغذية*، ۴ مرتبه به این اثر ارجاع داده شده است. (جدول شماره ۲)

۵- *کِتَابُ الْكَيْمُوسِ*: این اثر در یک مقاله تدوین یافته و در آن به شرح و توصیف غذاها اشاره شده است. این کتاب نخست توسط سرجیس رأس العینی ترجمه شد. سپس حنین بن اسحاق آن را همراه با کتاب *اطعمه* ترجمه کرد. بار دیگر ثابت بن قزوه حرانی (مترجم ریاضی‌دان، پزشک و فیلسوف متوفای ۲۸۸ ق) آن را به عربی ترجمه نمود. بعدها حبیب بن حسن الأعسم نیز آن را مجدد برای احمد بن موسی ترجمه کرد. ابن‌بیطار، ۴ مرتبه به این کتاب ارجاع داده است. (جدول شماره ۲)

۶- *کِتَابُ الْإِلَى الْمُغْلُوقِينَ*: این اثر شامل دو مقاله است: مقاله نخست درباره دلایل تب و نحوه مداوای آن و مقاله دوم دلایل آماس و درمان آن را بیان می‌کند. این کتاب توسط حنین بن اسحاق، برای سلمویة بن بُنان (پزشک مخصوص خلیفه معتصم عباسی و متوفای ۲۲۵ ق)، به سریانی ترجمه شد و پس از مدتی آن را برای محمد بن موسی به عربی ترجمه کرد. (همان، ۱۳۷۹: ۸۳) در *الجامع لمفردات الأدوية و الأغذية*، ۱ مرتبه به این اثر اشاره شده است. (جدول شماره ۲)

۷- *الْأَدْوِيَةُ الْمُقَابِلَةُ لِلْأَدْوَاءِ*: این کتاب در دو مقاله تدوین شده است: در مقاله نخست به شرح و توصیف تریاک و در مقاله دوم به توصیف سایر معجون‌ها پرداخته است. این اثر توسط یوحنا ابن بُختیشوع (پزشک و مترجم آثار یونانی به سریانی و متوفای ۲۵۶ ق) و با کمک حنین بن اسحاق به سریانی ترجمه شد. سپس عیسی بن یحیی دمشقی (مترجم و شاگرد حنین بن اسحاق در سده سوم ق)

آن را از روی ترجمه حنین بن اسحاق برای احمد بن موسی به عربی ترجمه نمود. در اجماع لمفردات الادویة و الاغذیة، ۷ مرتبه از این اثر یاد شده است. (جدول شماره ۲)

۸- **تدبیر الاصحاح**: این اثر در شش مقاله نگارش یافته و درباره راه‌های حفظ تندرستی شخص سالم است. این کتاب توسط حنین بن اسحاق ترجمه گردیده و ۷ مرتبه در اجماع لمفردات الادویة و الاغذیة، به این اثر اشاره شده است. (جدول شماره ۲)

۹- **تفسیره لکتاب الفصول**: در هفت مقاله تنظیم شده و گزارشی از کتاب الفصول بقرط است. این اثر نیز توسط حنین بن اسحاق ترجمه گردید. در اجماع لمفردات الادویة و الاغذیة، ۱ مرتبه به این اثر ارجاع داده شده است. (جدول شماره ۲)

۱۰- **کتاب طیمائوس یا جوامع الطیمائوس فی العلم الطبیعی**: این اثر عنوان بازنویسی شده بخشی از رسائل طیمائوس افلاطون است. ابن بیطار، ۱ مرتبه به این اثر ارجاع داده است. (جدول شماره ۲)

قضاوت و نتیجه‌گیری دقیق درباره تأثیر مستقیم کتاب الادویة المفردة و سایر آثار داروشناسی جالینوس بر اجماع لمفردات الادویة و الاغذیة کاری بس سخت و دشوار است. چرا که به مطالعات تطبیقی دقیق و جدی در آثار گیاه‌داروشناسی جالینوس و اجماع ابن بیطار نیازمند است. اما بر حسب قراین و شواهدی که از مطالعه اجماع به‌ویژه پیشگفتار آن به دست می‌آید بر این باورم که ابن بیطار در مطالعات گیاه‌داروشناسی خود مستقیماً از مهم‌ترین کتاب داروشناسی جالینوس یعنی الادویة المفردة بهره برده است. حتی می‌توان در این زمینه به گزارش شاگرد و همراه همیشگی ابن بیطار در سفرهای علمی‌اش، ابن ابی اصبیح در عُیون الانباء اعتماد کرد که عنوان می‌کند ابن بیطار مستقیماً به کتاب الادویة المفردة جالینوس دسترسی داشته است. (ابن ابی اصبیح، ۲۰۰۵: ۶۰۱) با وجود این، ذکر این نکته خالی از اهمیت نیست که می‌توان ردپای آثار داروشناسی جالینوس را در فرُدوس الحکمة طبری، الحاوی رازی، قانون ابن سینا و کامل الصنعة اهوازی یافت. با اندک تأملی در بخش داروشناسی الحاوی می‌توان چنین گفت که در برخی موارد ابن بیطار با واسطه رازی به جالینوس ارجاع می‌دهد. حتی واسطه اکثر داروهای جایگزینی که در اجماع لمفردات الادویة و الاغذیة بیان می‌شوند، کتاب ابدال الادویة رازی است. مثلاً: ذیل مدخل‌های «اسازون»، «ایرسا»، «بادرنجوبیة»، «دبق» و

«دَرَوَج»، ابن بیطار با واسطه *ابدالِ الادویة* رازی به جالینوس و آثارش ارجاع می‌دهد. (ابن بیطار، ۱۹۹۲م، ج ۱: ۱۰۴-۹۸-۳۳؛ ج ۲: ۳۷۰-۳۶۴)

۷. اصالت و اعتبار الجامع

با مراجعه به متن *الجامع لمفردات الادویة و الاعدیة* با تعداد زیادی از مآخذ یونانی و غیر یونانی مواجه می‌شویم که بر نگارش این کتاب، اصالت و اعتبار آن، بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. ابن بیطار در *این اثر* خود به نقل آراء و نظرات بیش از ۱۵۰ [مؤلف] یا مآخذ یونانی، سریانی، ایرانی، هندی و عرب پرداخته (اعلم، ۱۳۹۳: ۳۵۹) و با بیان و جرح و تعدیل نظرات هریک از آنان به غنای علمی *الجامع لمفردات الادویة و الاعدیة* افزوده است. در این زمینه می‌توان به عنوان نمونه به مدخل‌های «أذخر»، «أرمیس»، «أفسنتین»، «خل»، «صبر» و «کرنب» مراجعه کرد. (ابن بیطار، ۱۹۹۲م، ج ۱: ۵۶-۲۷-۲۱؛ ج ۲: ۳۳۶؛ ج ۳: ۱۰۴؛ ج ۴: ۳۱۶-۳۱۵) در این میان حدود نیمی از محتوای علمی *الجامع* برگرفته از منابع یونانی است که در رأس آن‌ها آثار و تألیفات دانشمندانی همچون: آرسطو، زوفوس، پائولوس آگینایی (بولس اجانیطی)، دیوسکوریدس و جالینوس خودنمایی می‌کند. (اعلم، ۱۳۹۳: ۳۵۹) ابن بیطار تقریباً بخش‌های بسیار زیادی از اطلاعات گیاه‌داروشناسی را از متن یونانی آثار آن‌ها بیان کرده است. در نتیجه همان‌گونه که خود در مقدمه *الجامع لمفردات الادویة و الاعدیة* اشاره می‌کند، به صورت مستقیم و بدون واسطه از آرای آنان در نگارش کتابش بهره‌مند شده است. (ابن بیطار، ۱۹۹۲م، ج ۱: ۳) وی در این کتاب در مجموع ۱۲۶۰ مرتبه به *دیوسکوریدس و الحشایش* ارجاع داده است که در این میان، ۵۶۵ مرتبه به نام *دیوسکوریدس* بدون ذکر نام اثر و ۶۹۵ بار به *الحشایش* و مقالات پنج‌گانه آن اشاره نموده است: (جدول شماره ۳)

آنچه که این سه مؤلف بزرگ دانش گیاه‌داروشناسی را بسیار به هم نزدیک می‌سازد و تا حدود بسیار زیادی آنان را از سایر پژوهشگران این حوزه متمایز می‌سازد، روش تحقیق آن‌ها در مطالعات و پژوهش‌های علمی است. *دیوسکوریدس* در مقدمه *الحشایش*، جالینوس در کتاب *فی فرق الطب للمتعلمین* و ابن بیطار در پیشگفتار *الجامع لمفردات الادویة و الاعدیة* روش خود را در مطالعات گیاه‌داروشناسی روشی حسی و تجربی که بر پایه آزمایش و مشاهده مستقیم استوار است ذکر می‌کنند؛

بنابراین برجسته‌ترین امتیاز دیوسکوریدس، جالینوس و ابن بیطار وابستگی آن‌ها به سنت علمی اصیلی است که به آزمایش و مشاهده مستقیم (روش حسّی و تجربی) تأکید دارد.

از دیگر نقاط قوت ابن بیطار در اَلْجَامِعِ لِْمُفْرَدَاتِ الْأَدْوِيَّةِ وَالْأَغْذِيَّةِ، تسلط وی به زبان یونانی است. همچنان که در صفحات قبل این پژوهش اشاره شد، یکی از آثار مهم ابن بیطار کتابی است تحت عنوان تفسیر کتاب دیوسکوریدس. وی در این اثر به شرح و تفسیر ۵۵۰ واژگان یونانی اَلْحَشَائِشِ که شرح و توصیف داروهای ساده و غیر ترکیبی است، می‌پردازد. (اعلم، ۱۳۹۹: ۱۴۷) این کتاب که به شکل واژه‌نامه‌ای یونانی - عربی تألیف شده است، خود دلیل واضحی بر میزان تسلط ابن بیطار بر زبان یونانی است. به همین علت وی با آثار بسیاری از دانشمندان یونانی آشنایی کامل داشت و نوشته‌های آنان را به طور کامل و عمیق مورد بررسی قرار می‌داد و نکات مبهم و پیچیده آن‌ها را تفسیر و تبیین می‌کرد. بنا بر گواهی ابن ابی اصیبعه، ابن بیطار نه تنها به بررسی صحت و سقم نظرات دیوسکوریدس از روی متن یونانی اَلْحَشَائِشِ می‌پرداخت، بلکه در کنار آن، به نقل و بازگویی نوشته‌های متأخران و ذکر اشتباهات آن‌ها اشاره و در پایان، نظر صحیح خود را با استفاده از عبارت‌هایی نظیر: «قال المؤلف»، «قال المؤلف عبدالله بن احمد العُشَّاب»، «أقول» و «لی» بیان می‌کرد. (ابن ابی اصیبعه، ۲۰۰۵م: ۶۰۱) برای آگاهی بیشتر در این زمینه می‌توان به مدخل‌های «الائثون»، «جمیز»، «بَرَزُالْكَتَّان»، «بَنَفْسَج» و «حَدَقُوقِي بَرِّي» مراجعه کرد. (ابن بیطار، ۱۹۹۲م، ج ۱: ۲۳۰-۱۵۷-۱۲۶-۷۴؛ ج ۲: ۳۰۰) همچنین در ۱۱۷ مدخل اَلْجَامِعِ لِْمُفْرَدَاتِ الْأَدْوِيَّةِ وَالْأَغْذِيَّةِ، با عبارت «لی» به بیان نظرات خود پرداخته است؛ بنابراین، شمار قابل توجه انتقادات و توضیحات ارزشمند و راهگشای وی خود شاهی بر اصالت و اعتبار مطالعات و داده‌های گیاه‌داروشناسی ابن بیطار است.

ابن بیطار در اَلْجَامِعِ لِْمُفْرَدَاتِ الْأَدْوِيَّةِ وَالْأَغْذِيَّةِ، به شرح و توصیف بیش از ۱۴۰۰ گونه از گیاهان دارویی با منشأ گیاهی، حیوانی و معدنی بر اساس حروف الفبا اشاره کرده که در این میان حدود ۳۰۰ نوع از این مفردات دارویی، قبل از وی در هیچ اثر دارویی دیگری نیامده است. (پالسیسیا، ۲۰۱۱م: ۵۳۶) وی توصیف بسیار دقیقی از آن‌ها را به عمل آورده و مترادف هریک از آن‌ها را نیز ذکر کرده است. همچنین معادل هر یک از آن‌ها را به زبان یونانی آورده که خود شاهی بر نوآوری، ابتکار و خلاقیت ابن بیطار در تدوین و نگارش اَلْجَامِعِ لِْمُفْرَدَاتِ الْأَدْوِيَّةِ وَالْأَغْذِيَّةِ است. وی در توصیف هریک از این

گیاهان دارویی، به شرح و توصیف واژگانی دارو (شرح معنای واژه و اصالت زبانی آن)، توصیف محل رویش گیاه، شرح و بیان طبیعت گیاه (گرمی، سردی، خشکی و تری)، ریخت‌شناسی و توصیف دقیق نوع گیاه (بیان اجزای متعدد گیاه مثل برگ، گل، شاخه، ریشه و رنگ)، مقایسه گیاه با گیاهان مشابه، بیان خواص دارو و روش مصرف دارو (شکل و میزان مصرف) اشاره دقیقی کرده است. (کیانی و زارع، ۱۳۹۳: ۵۰-۵۷)

یکی دیگر از مواردی که بر اصالت و اعتبار مطالعات ابن‌بیطار صحه می‌گذارد، وفور اسامی مترادف کثیری از گیاهان دارویی است. شرح و بیان اسامی مترادف بسیاری از این مفردات دارویی، به‌ویژه مفردات گیاهی، نه تنها به زبان علمی آن روزگار (عربی، یونانی مُعَرَّب و سُریانی)، بلکه به زبان‌ها و گویش‌های محلی نظیر: اَنْدَلُسِی، بربری، فارسی و هندی، از ویژگی‌های بارز *الْجَمَاعِ لِمُفْرَدَاتِ الْاَدْوِيَةِ وَ الْاَعْذِيَةِ* است. باتوجه‌به گزارش ابراهیم بن مراد در کتاب *مُصَطْلِحُ الْاَعْجَمِي فِي كُتُبِ الطَّبِّ وَ الصَّيْلَةِ الْعَرَبِيَّةِ*، شمار این اسامی مترادف به عدد ۱۰۸۲ می‌رسد که در این میان، شمار واژگان فارسی الاصل ۴۵۴ و عناصر یونانی ۴۲۸ مورد ذکر شده است. (ابن مراد، ۱۹۸۵م، ج ۱: ۱۷۹)

گسترده‌گی بی‌نظیر دامنه جغرافیایی مطالعات ابن‌بیطار یکی دیگر از ویژگی‌هایی است که بر اصالت و اعتبار *الْجَمَاعِ لِمُفْرَدَاتِ الْاَدْوِيَةِ وَ الْاَعْذِيَةِ* افزوده است. ابن‌بیطار برای شناخت و گردآوری گیاهان دارویی به مناطق زیادی مثل: اَنْدَلُس، شمال آفریقا، یونان، آسیای صغیر، شام و بخش‌هایی از شمال عربستان و بین‌النهرین سفر کرد و با پرس‌وجو از آگاهان و فضلالی محلی و تکیه بر آزمایش و مشاهده به توصیف درست و دقیق گیاهان پرداخت. (کُتُبِی، ۱۹۷۳م، ج ۲: ۱۵۹؛ ابن مراد، ۱۹۹۱م: ۴۶۷) وی در زمان سلطان الملک الکامل ایوبی به دمشق روی آورد و گیاهان این منطقه را مطالعه و بررسی نمود. به علت اعتمادی که سلطان ایوبی در زمینه داروهای گیاهی به وی داشت او را به ریاست داروفروشان منصوب کرد. (ابن فضل‌الله العُمَری، ۲۰۱۰م، ج ۹: ۳۵۶) ابن‌بیطار پس از مرگ سلطان ایوبی به قاهره رفت و به خدمت ملک صالح نجم‌الدین ایوبی درآمد. در همین شهر بود که به دستور سلطان ایوبی، *الْجَمَاعِ* را به همراه کتاب دیگری با عنوان *الْمُعْنِي فِي الْاَدْوِيَةِ الْمُفْرَدَةِ* در بیست فصل، تألیف نمود. (مَقْرَی، ۱۹۶۸م، ج ۲: ۶۹۲؛ قنوتی، ۱۹۹۶م: ۱۹۲) او در تمام این سفرها همانند یک دانشمند طبیعی‌دان، همه گیاهان این نواحی را از نزدیک مورد مطالعه و بررسی میدانی قرارداد؛ بنابراین

دامنه جغرافیایی مطالعات و کاوش‌های گیاه‌داروشناسی ابن بَیطار تنها به اندلس و زادگاه او محدود نشد؛ بلکه دامنه وسیع تری را در برگرفت و در پایان منجر به شرح و توصیف بیش از ۱۴۰۰ نوع داروی گیاهی، حیوانی و کانی در اَلْجَامِعِ لِلمُفْرَدَاتِ الِادَوِیَّةِ وَ الِاغْذِیَّةِ شد.

نتیجه‌گیری

هم‌زمان با آغاز نهضت ترجمه آثار گیاه‌داروشناسی اندیشمندان یونانی، به‌ویژه دِیوسکوریدس و جالینوس مورد توجه دانشمندان مسلمان قرار گرفت و در این میان، مطالعات داروشناسی دِیوسکوریدس از اهمیت بیشتری برخوردار شد. در عهد خلیفه متوکل عَبَّاسی (حک ۲۳۲-۲۴۷ق/۸۴۷-۸۶۱م) اَلْحَشَائِشِ برای نخستین بار توسط حُئین بن إِسْحَاقِ العِبَادِی از یونانی به سُرِیانی ترجمه شد. پس از وی إِصْطَفَانِ بن بَسِیلِ شاگرد و همکار حُئین بن إِسْحَاقِ، متن کامل کتاب را از یونانی به عربی بازگرداند که این ترجمه توسط حُئین بن إِسْحَاقِ بازننگری و اصلاح شد. در ادامه نهضت ترجمه بسیاری از آثار مربوط به داروشناسی جالینوس نیز مانند اَلْمُفْرَدَاتِ تَوْسَطِ گروهِی از مترجمان همچون حُئین بن إِسْحَاقِ العِبَادِی ترجمه شدند. ترجمه این آثار به سُرِیانی و سپس به عربی تحول شگرفی در رشد و اعتلای دانش داروشناسی اسلامی ایجاد کرد. بسیاری از پزشکان مسلمان، نظیر: اَبْنِ رَبَّانِ طَبْرِی، مُحَمَّدِ بن زَکْرِیَا رَازِی، اَبْنِ سَیْنَا، عَلِی بن عَبَّاسِ اَهْوَازِی و ابن بَیطار با تمام موفقیت‌هایی که در عرصه درمان بیماری‌ها داشتند در موارد عدیده‌ای برای حل مشکلات تشخیصی و درمانی خود، چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم، از رهنمودها و پژوهش‌های دِیوسکوریدس و جالینوس استفاده می‌کردند. در این میان ابن بَیطار که یکی از برجسته‌ترین و روشمندترین گیاه‌داروشناسان مسلمان در سده‌های میانه اسلامی است، با تألیف هوشمندانه، منتقدانه و روشمند اثر خود تحت عنوان اَلْجَامِعِ لِلمُفْرَدَاتِ الِادَوِیَّةِ وَ الِاغْذِیَّةِ در کنار دانشمندانی همچون: دِیوسکوریدس و جالینوس از سهم بسزایی در بسط و گسترش دانش گیاه‌داروشناسی اسلامی برخوردار گردید. اگرچه ابن بَیطار در برخی از شاخص‌ها همچون روش پژوهش، شیوه تدوین و سبک نوشتاری خود از اساتید یونانی خود پیروی کرده است؛ اما شیوه مطالعات تجربی و مشاهدات میدانی منحصر به فرد خود را نیز داراست و در بسیاری از شاخص‌ها از قبیل: گستردگی کم‌نظیر مطالعات و

معلومات، گستردگی بی‌نظیر دامنه جغرافیایی مطالعات، وفور اسامی مترادف داروها در *الجامع لمفردات الادویة و الاعنایة*، شناسایی بیش از ۳۰۰ نوع از گیاهان دارویی که قبل از وی در هیچ اثر دارویی دیگری نیامده است و تفسیر و تبیین نکات مبهم و پیچیده و جرح و تعدیل آن‌ها، خلاقیت و نوآوری‌های بسیاری از خود به یادگار گذاشته و بر اصالت، اعتبار و غنای مطالعات گیاه‌داروشناسی خود افزوده است.

جدول شماره ۱- تعداد ارجاعات *الجامع* به کتاب *الادویة المفردة* جالینوس

مترجم	تعداد ارجاعات	اثر
یوسف خوری (نا تمام) سرجیس (نا تمام) ایوب - حنین	۸	مقاله اول
	۱۰	مقاله دوم
	۲	مقاله سوم
	۲	مقاله چهارم
	۵	مقاله پنجم
	۱۳۱	مقاله ششم
	۱۵۰	مقاله هفتم
	۱۶۰	مقاله هشتم
	۴۹	مقاله نهم
	۱۷	مقاله دهم
	۳۴	مقاله یازدهم
۵۶۸	جمع کل	

جدول شماره ۲- تعداد ارجاعات *الجامع* به سایر آثار جالینوس

کتاب	تعداد ارجاعات	ترجمه
------	---------------	-------

سرجيس - أيوب	٥٩	فى قورى الاغذية
سرجيس - حنين بن اسحاق	٧	تركيب الادوية
حنين بن اسحاق - حبيش	٤	حيلة البرء
سرجيس - حنين بن اسحاق - ثابت بن قرة	٤	كتاب الكيموس
حنين	١	كتاب الى اغلوقن
يوحنا بن بختيشوع با كملك حنين - عيسى بن يحيى	٧	الادوية المقابلة للادواء
حنين بن اسحاق	٧	تدبير الاصحاء
حنين بن اسحاق	١	تفسيره لكتاب الفصول
حنين بن اسحاق	١	كتاب طيمانوس
	٩١	جمع كل

جدول شماره ٣- تعداد ارجاعات الجامع به كتاب الحشايش ديوسكوريدس

تعداد ارجاعات	اثر
٥٦٥	الحشايش (بدون ذكر مقاله)
١١٢	مقاله اول
١٧٧	مقاله دوم
١٥٠	مقاله سوم
١٧٣	مقاله چهارم
٨٣	مقاله پنجم
١٢٦٠	جمع كل

کتابنامه

ابن أبى أصيبعة، موفق الدين ابوالعباس احمد بن قاسم، (٢٠٠٥م). عيون الانباء فى طبقات الاطباء، تحقيق نزار رضا، بيروت، دار مكتبة الحياة.

ابن بیطار، ابومحمّد ضیاءالدین عبداللّه ابن احمد مالقی، (۱۹۹۲م). الجامع لمفردات الادویة و الاغذیة، بیروت، دارالکتب العلمیة.

ابن بیطار، ابومحمّد ضیاءالدین عبداللّه ابن احمد مالقی، (۱۹۸۹م). تفسیر کتاب دیاسکوریدوس، تحقیق ابراهیم بن مراد، بیروت، دارالغرب الاسلامی.

ابن جُلجل، ابو داود سلیمان بن حسان اندلسی، (۱۹۵۵م). طبقات الاطباء و الحكماء، تحقیق ایمن فواد سید، قاهره، دارالکتب المصریة.

ابن العبری، ابوالفرج گریگوریوس بن اهرن، (۱۹۸۳م). تاریخ مختصر الدول، تصحیح انطون صالحانی الیسوعی، بیروت، دار الرائد اللبنانی.

ابن فضل الله العمري، شهاب الدین احمد بن یحیی، (۲۰۱۰م). مسالک الابصار فی ممالک الامصار، چاپ اول، تحقیق کامل سلمان الجبوری، بیروت، دارالکتب العلمیة.

ابن مُراد، ابراهیم، (۱۹۹۱م). بحوث فی تاریخ الطب و الصیدلة عند العرب، بیروت، دارالغرب الاسلامی.

ابن مُراد، ابراهیم، (۱۹۸۵م). مُصطلح الاعجمی فی کتب الطب و الصیدلة العربیة، بیروت، دارالغرب الاسلامی.

ابن التّدیم، ابوالفرج محمد بن اسحاق، (۲۰۰۹م). کتاب الفهرست، تحقیق ایمن فواد سید، لندن، مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامی.

اعلم، هوشنگ، (۱۳۹۳). «الجامع لمفردات الادویة و الاغذیة»، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، جلد نهم، ص ۳۵۹.

اعلم، هوشنگ، (۱۳۹۹). «ابن بیطار»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، صص ۱۴۷-۱۴۶.

بیگ باباپور، یوسف. (۱۳۹۳). فهرست توصیفی دست نوشته های پزشکی دوره اسلامی در کتابخانه های ایران و جهان، تهران، سفیر اردهال.

پالینسیا، آنخل گونزالس، (۲۰۱۱م). تاریخ الفكر الاندلسی، ترجمه حسین مونس، قاهره، المركز القومي للترجمة.

جالینوس، کلودیوس، (۱۳۹۹). کتاب الفهرست، به اهتمام احسان مقدس، تهران، سفیر اردهال، نیلو برگ.

حنّین، ابوزید حنین بن اسحاق عبادی، (۱۳۷۹). رساله حنین بن اسحاق الی علی بن یحیی، به اهتمام مهدی محقق، دانشگاه تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی.

- درخشان، ليلا؛ رجب نژاد، محمدرضا، (١٣٩٨). «ابن بيطار داروشناسى دوره تمدن اسلامى»، مجله تاريخ پزشكى، ش ٤١.
- دُبوسكوريدس، پدانيوس، (١٣٩١). الحشايش، ترجمه عربى مهران بن منصور، ترجمه فارسى و تحقيق سيد محمود طباطبايى، تهران، دانشگاه علوم پزشكى تهران.
- سزگين، فؤاد، (١٣٨٦). تاريخ نگارش هاى عربى، چاپ دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.
- صَفدى، صلاح الدين خليل بن آيبك، (٢٠٠٠م). الوافى بالوفيات، تحقيق احمد الارناؤوط و تركى مصطفى، بيروت، دار احياء التراث العربى.
- عبدالله الدفاع، على، (١٣٨٦ش). اسهام علماء العرب و المسلمين فى علم النبات، ترجمه فرزانه غفارى، تهران، پژوهشگاه علوم انسانى و مطالعات فرهنگى.
- قَفطى، جمال الدين ابوالحسن على بن يوسف، (٢٠٠٥م). اخبار العلماء باخبار الحكماء، تحقيق ابراهيم شمس الدين، بيروت، دارالكتب العلمية.
- قَنواتى، جُورج شَحّاته، (١٩٩٦م). تاريخ الصبيلة و العقاقير، چاپ دوم، بيروت، اوراق شرقية الاولى.
- كامل حسين، محمد، (٢٠١٣م). الموجز فى تاريخ الطب و الصبيلة عند العرب، بيروت، المنظمة العربية للتربية و الثقافة و العلوم.
- كُتبى، محمد بن شاکر، (١٩٧٣م). فوات الوفيات، تحقيق احسان عباس، بيروت، دار صادر.
- كيانى، حسين؛ زارع، منيژه، (١٣٩٨). «بررسى شيوه بيان و سبك نوشتارى كتاب الجامع فى الادوية المفردة»، مجله طب سنتى اسلام و ايران، ش ١، صص ٥٧-٥٠.
- مَقَرى، شهاب الدين ابوالعباس احمد بن محمد، (١٩٦٨م). نفع الطيب، تحقيق احسان عباس، بيروت، دار صادر.